

حکومت متحده جهانی

يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر
وانثى وجعلناكم مشعوبا وقبائل
لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقيكم
(قران کریم) (۱)

در اسفند ماه گذشته بمناسبت تشکیل « کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آسیا و خاور دور » معروف به « اکافه » در ایران پرچم زیبای سازمان ملل بر فراز خیابانهای تهران باهتزاز درآمده بود با دیدن آن پرچم که کره زمین بر آن منقوش بود دورنمایی بس زیبا و اندیشه هائی بس شیرین در دیده وفکر مجسم گردید:

میدیدم که ملل جهان با تجارب تلخ روزگار وقرون گذشته ویا توجه بخاطرات زهرآگین وشومی که از تفرقه ها ، نفاق ها ، دشمنی ها وبالاخره جنگ های خانمانسوز و جهان براندازی که هرچند یکبار تار وپود ملل را از هم گسیخته ، در روح و جان آنان باقی مانده است تصمیم گرفته اند بجای همه آن نفاق ها ودشمنی ها وجنگ ها دوستی وبرادری وبرابری وصلح وصفا در میان خود برقرار سازند . می اندیشیدم : روزی که آن روز خیلی دور نخواهد بود . فرا خواهد رسید که این پرچم زیبای سازمان ملل « تنها پرچم حکومت متحده جهانی خواهد بود و در آن روح کلیه ملل عالم تحت رهبری یک حکومت عادلانه جهانی در آسایش و رفاه بسر خواهند برد وهمه افراد بشر از سفید و سیاه وسرخ وزرد از نعمت های گوناگون این کره خاکی که در اختیار انسان قرار گرفته است شمتع وبهره مند خواهند شد .

میدیدم که آدمی در چند صد قرن گذشته با همه تاریکی ها ، اضطراب ها . دنهره ها و جنگ ها وخون ریزیهای آن ، پیوسته بسوی روشنائی ، دانائی ، توانائی ، اطمینان ، کمال و اتحاد پیش رفته است . هر کشمکش وجنگ وجدالی که در جهان بشریت رخ داده هرچند که توأم با بدبختی وفقر و ویرانی وانهدام بوده مع الوصف مایه آنتباه و بیداری وهوشیاری و یگانگی اقوام وجوامع انسانی گردیده وپس از هر شام تاری صبح روشن اسیدی دسیده و در افق تاریک زندگی آدمی خورشید تابناک صلح تابیده است .

می اندیشیدم که این سیر تکامل بالاخره روزی آدمی را بمرحله ای خواهد رسانید که جز خود دیگران را هم به بیند جز عقیده خود عقیده دیگران را هم بشنود . همانگونه که

۱ - ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه بصورت ملل و قبیله ها در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید و بدانید که گرامی ترین شما نزد خداوند برهیز کارترین شماست

خود را دوست میدارد دیگران را دوست ندارد هرچه برای خود میخواهد ، برای دیگران هم بخواهد . آنچه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نه‌پسندد ، هرگونه خودخواهی و تعصبی از میان برود . بحث استیازات رنگ و پوست ، مغرب و مشرق ، قوی و ضعیف ، فقیر و غنی توانا و ناتوان و هرچه از این قبیل عناوین پوچ است برای همیشه محوگردد و بالاخره همه اقوام و ملل آنچه را که شاعر بزرگ ایران سعدی شیرازی در . . . ۷ سال پیش اعلام کرده با زبان دل و ندای جان بگویند :

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

سیدیدم که در قرون و اعصار گذشته ، در آن روزگاران که طائفه با طائفه ، قبیله با قبیله ، دهستان با دهستان و شهرستان با شهرستان ، در جنگ و خون‌ریزی بسر میبردند اگر مردم آن دوره گفته میشد زمانی فرا خواهد رسید که در آن زمان همه شما با هم متحد خواهید شد جنگ از میان شما خواهد رفت . بجای کشمکش و نفاق و خون‌ریزی صلح و صفا و وفا در میان شما حکمفرما خواهد شد . همه این دهستان‌ها ، شهرستانها و استان‌ها بنام یک کشور نامیده خواهد شد . ساکنان آن بنام یک ملت در غم و شادی یکدیگر سهیم و همه بالاتفاق برای رفاه و آسایش خویش و عمران و آبادی کشور خود کار و کوشش خواهند کرد . همه در سرنوشت خویش با انتخاب نماینده و تشکیل پارلمان و ایجاد حکومت دخالت خواهند داشت مقررات و آئینی بنام قانون برای انتظام امور خود و عدم تجاوز به حقوق یکدیگر وضع خواهند کرد اصل حاکمیت قانون را برای حفظ و صیانت جامعه همه با جان و دل خواهند پذیرفت . هر منطقه و حوزه مملکت در عین حفظ رسوم و عادات محلی خود تابع مقررات و قوانین و نظامات عمومی کشور خواهند بود و خلاصه همه افراد کشور با وجود اختلاف زبان ، لهجه ، عادات و رسوم ، بنام یک ملت در سرزمین محدودی بنام یک کشور با هم بدون جنگ و اختلاف و خون‌ریزی زندگی خواهند کرد کسی باور نمی‌کرد . زیرا افکار مردم آن دوره برای اینگونه وحدت آسازگی نداشته است .

سی‌اندیشیدم که مردم قرن بیستم . مردمی که از تاریخ طولانی گذشته نیاکان خویش در سها آسوخته و تجربه‌ها اندوخته‌اند . مردمی که از جنگ‌های خونین گذشته و مضار و مفساد آن بخوبی آگاه بوده و از آن متنفر میباشند . بخوبی درک کرده‌اند همانگونه که جنگ‌های قبیله‌ای و منطقه‌ای و کشوری بحکم ضرورت از میان رفته و جای خود را بصلح و وحدت و یگانگی داده است همانگونه نیز از میان رفتن جنگ‌های عمومی و بین‌المللی امکان پذیر است همانطور که با اتحاد چندین دهستان و شهرستان و استان یک کشور واحدی بوجود آمده که تحت نظر یک حکومت اداره میشود و همانگونه که در حال حاضر ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی اداره میشوند . همانطور هم با اتحاد کشورهای مختلف جهان . ایجاد یک حکومت بنام حکومت متحده جهانی امکان پذیر میباشد و صلح پایدار عمومی که آرزوی دیرینه همه افراد بشر است جز با ایجاد چنین حکومتی میسر نخواهد بود .

آنان که جنگ را غریزه فنا ناپذیر بشر دانسته‌اند سخت در اشتباه بوده‌اند. جنگ نه تنها غریزه فنا ناپذیر بشر نیست بلکه بعکس غریزه فنا ناپذیر صلح طلبی آدمی است. خصمت خدائی است. خصمت خداوند جنگ جوئی نیست. صلح است. صفا است. مهربانی است، بخشندگی است، محبت و عدالت است.

راست است که ابتدا زندگی انسان در روی کره زمین با جنگ و کشمکش آغاز شده است اما علت آن جهل و نادانی آدمی بوده است نه غریزه جنگ جوئی وی. بهمین سبب است که هر اندازه بدانش و بینش انسان افزوده شده بهمان نسبت وحدت و یگانگی وی بیشتر گردیده است اگر جنگ غریزه فنا ناپذیر بشری بود امروز هم پس از هزاران سال آدمی بیایستی در میان غارها و جنگلها بسربرد و با جنگ و کشتار مداوم زندگی کند. آیا همین اتحاد و اتفاق نسبی و تکاملی که انسان از حیث قوای مادی و معنوی پیدا کرده کافی برای رد نظریه کسانی که جنگ را غریزه فنا ناپذیر بشر پنداشته‌اند نیست؟

بطوریکه گفته شد زندگی آدمی با جنگ و نبرد آغاز گردیده لیکن هر روز و هر سال و هر قرن بسوی صلح پیش رفته است. هر قدر که داسنه تفکر و تعقل آدمی وسعت یافته. بهمان اندازه از اختلاف و نفاق و دورویی او کاسته شده است جنگ‌های خونین و خانمانسوزی که در طول تاریخ بشر داسنگیر مردم جهان گردیده همه بر اثر غفلت و نادانی و جهالت بوده است. خودخواهی‌ها، خودپرستی‌ها، زورگوئی‌ها، تعصب‌ها که علت العلل جنگ‌های جهانی است همه ناشی از جهل، عدم تعقل، خاصی فکر و نارسائی اندیشه انسان بوده است و قبول مولوی عارف بزرگ ما.

سخت‌گیری و تعصب خاصی است که عدم انسانی تا جنینی کار خون آشامی است

آری خون آشامی مخصوص دوره جنینی انسان است و وقتی جنین بعد رشد و کمال رسید دست از خونخواری بر میدارد و زندگی کاملتری را آغاز میکند.

بشر امروز بان پایه از کمال و دانش و بینش رسیده است که تحت رهبری یک حکومت متحده جهانی با صلح و صفا زندگی کند و اکثریت مردم جهان این حقیقت بزرگ را دریافته‌اند بشریت امروز آماده برای قبول چنین حکومت جهانی شده است و ایجاد این حکومت موافق با روح همه مذاهب و مسالک عالم است.

از تعالیم «کنفوسیوس» و حکمت (برهما) و فلسفه (بودا) گرفته تا سرودهای (زردشت) و نغمات (موسی) و ترانه‌های (عیسی) و آیات (رسول) بزرگ اسلام همه مملو و مشحون از برابری و اخوت و یگانگی افراد بشر است و همه این سنادیان راه‌حق که اکثریت قریب با اتفاق مردم عالم پیرو و تابع آنان هستند. مردم جهان را بمساوات و عدل و انصاف و وحدت دعوت فرموده‌اند. مسلک‌های جدید جهان نیز که منشاء آن تلوریهایی (مارکس) و (انگلس) (ولنین) است و بنا بعقیده خود سرزوبوم و حدود و ثغور راز ایدئیداند از چنین حکومت جهانی ناچار باید پشتیبانی نمایند.

بنابراین سانهی برای تشکیل حکومت متحده جهانی بنظر نمیرسد. مگر اینکه خدای ناکرده خودخواهی و هوی پرستی عده‌ای معدود مانع پیشرفت این کار گردد و این عمل که

باید هرچه زودتر برای رفاه و آسایش کلیه اقوام و جوامع و ملل دنیا انجام شود موقتاً بتأخیر افتد.

خوشبختانه مقدمات تشکیل چنین حکومتی فراهم آمده است :

۱ - « منشور ملل متحد » که بمنزله قانون اساسی حکومت جهانی است. تدوین و به تصویب اکثریت ملل عالم رسیده است بی اغراق این منشور روشن ترین سند رشد و کمال انسانی است که در آن روح حقیقت جوئی، صلح طلبی، دادخواهی، مهر و دوستی آدمی تجلی کرده و هدف مقدس آن با بیان کلی در مقدمه منشور چنین منعکس گردیده است.

« ما مردم ملل متحد با تصمیم بمحفوظ داشتن نسل های آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان نموده.

« و با اعلام مجدد ایمان خود بحقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین زن و مرد و همچنین بین ملت ها اعم از کوچک و بزرگ و با ایجاد موجبات لازم را برای حفظ عدالت و احترام تعهدات ناشی از عهد و سایر منابع حقوق « بین المللی و پیشرفت ترقی اجتماعی و برقرار ساختن اوضاع زندگی بهتری با آزادی بیشتر و برای « نیل باین مقاصد .

« با اعمال گذشت. زندگی در حالت صلح با یکدیگر با یک روش حسن جوار، « و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین المللی. و بقبول اصول برقرار « ساختن ترقی که بکار نبردن نیروی سلاح را جز در راه منافع عمومی تضمین نماید و بتوسل « سازمان های بین المللی برای پیشرفت ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل. عزم نمودیم « که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نمائیم و نتیجتاً دولت های متبوع ما بوسیله « نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده و دارای اختیارات تامی بودند که صحت « آن تشخیص داده شد. این منشور ملل متحد را اختیار و بموجب این مقررات یک سازمان « بین المللی را که موسوم به ملل متحد خواهد بود برقرار میسازند «

۲ - « سازمان ملل متحد » که امید است پایه و ریشه حکومت متحد جهانی باشد بر اساس منشور ملل متحد بوجود آمده است. این سازمان برجسته بین المللی تا کنون در موارد بسیاری ارزش وجودی خود را اثبات کرده و در راه ترقی و تکامل خود و همچنین در راه بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی ملت های جهان گامهای بلند و مفیدی برداشته و در رفع اختلافات بین المللی و جلوگیری از تصادمات خطرناک کوشش های پرارزشی نموده است.

۳ - « اعلامیه جهانی حقوق بشر » بشر که مکمل منشور ملل متحد و میتوان آنرا متمم قانون اساسی جهانی نامید و از درخشان ترین تجلیات اندیشه بشری و مهم ترین اعلامیه های سیاسی بین المللی محسوب است تدوین گردیده و بتصویب ملل مختلف جهان رسیده است در مواد ۳ گانه این اعلامیه اصول حقوق بشر و رؤس ایده هائی که مطلوب همه افراد انسان میباشد گنجانیده شده و علت تهیه و تدوین آن در مقدمه اش چنین آمده است : « از آنجا که شناسائی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد.

از آنجا که عدم شناسائی و تحقیر حقوق بشر منتهی باعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را بعصیان وا داشته و ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در زبان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند بعنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است. از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین علاج بقیام برضد ظلم و فشار مجبور نگردد.

از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری بوجود آورند. از آنجا که دول عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند.

از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت باین حقوق و آزادبها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد.

مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام میکند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً در مد نظر داشته باشند و بجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی با شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها میباشند تأمین گردد.»

۴ - پس از تدوین منشور ملل متحد و تشکیل سازمان ملل و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر برای حفظ صلح عمومی و همیشگی که آرزوی شیرین و دیرینه آدمی است فکر تشکیل یک حکومت جهانی در میان همه ملل دنیا تقویت گردیده و مجامع و جمعیت هائی بظرفداری از آن در جهان بوجود آمده است که از آن جمله.

جمعیت طرفدار سازمان ملل متحد و جمعیت طرفدار حکومت متحده جهانی را میتوان نام برد.

خوشبختانه هردو جمعیت فوق الذکر در کشور ما نیز بنام جمعیت ایرانی طرفدار سازمان ملل متحد و جمعیت ایرانی طرفدار حکومت متحده جهانی تشکیل یافته و در راه تحکیم مبانی صلح و تشکیل حکومت متحده جهانی هم آهنگ با دیگر جمعیت های مذکور در دیگر کشورها بفعالیت پرداخته است.

تشکیل اینگونه جمعیت ها و ظرفداری از صلح و صفا در کشور ما بر اساس سنت دیرین ملی و اصول مذهبی ما است. کشور ما همیشه طرفدار صلح و عدالت بوده و علیه ستمگران بحمايت ستمکشان برخاسته است.

جای بسی افتخار و مباهات است که در «توراة» از کورش بزرگ و از عدالت گستری و حمایت وی از قوم یهود در برابر ستمگری بخت النصر و تعمیر و ترمیم معابد آنان به نیکی یاد شده و از صلح جوئی وی و تأسینی که بیک ملت بیگانه در پناه خویش و در کشور خویش داده است ستایش کرده است.

بهر حال امیدواریم که روز بروز فکر تشکیل حکومت متحده جهانی در جهان تقویت شود و روزی فرا رسد که آرزوی دیرینه خردمندان جهان بوقوع پیوندد و باتشکیل چنین حکومتی صلح همیشگی و پایدار در جهان استقرار یابد و بشریت از اضطراب و نگرانی آزاد ورها گردد و آن روز روزی است که انسان خود را بحق اشرف مخلوقات بداند و در پناه قانون و عدالت برادر وار زندگی کند.

در پایان گفتاری مناسب نمی بینم شعری که بمناسبت پرتاب نخستین قمر مصنوعی دولت اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۳۳۶ سروده ام با تقدیم معذرت از خوانندگان ارجمند و سپاسگزاری از هیئت تحریریه محترم مجله گرامی کانون و کلاه در اینجائقل نمایم.

معمور باد بارگه پایدار صلح
رحمت بصلح و حامی صلح و شعار صلح
جاوید باد صلح و همه پاسدار صلح
آباد باد گلشن صلح و دیار صلح
در گوش باد زمزمه های هزار صلح
نوشید آب زندگی از جویبار صلح
کاین انتظار نیست جز از کشتزار صلح
هر نفع و نعمتی است بود یادگار صلح
آن روز بوده است همان روزگار صلح
فردی که نیست شیفته بی قرار صلح
گوئید چیست هم نفسان جز در صلح
روشن ز نور آن نشود شام تار صلح
تا گردش زمین نرود بر مدار صلح
گش سایه گسترد بجهان شاخسار صلح
کاین قرن مفتخر شود از اعتبار صلح
باشد که یار صلح شود کرد کار صلح
پایان

جاوید و پایدار بماند شعار صلح
لعنت بجنک و پیرو جنک و سرام جنک
نا بود باد جنک و همه دوستدار جنک
ویران شود مغاره جنک و مغالک جنک
خاسوش باد همه هم جغد شوم جنک
تا چند پای بند فریب سراب جنک
از شوره زار جنک بگوئید حاصلی
از جنک جز زیان و خرابی چه مانده است
روزی اگر بشر بخوشی آرسیده است
جز عده ای اسیر هوس نیست در جهان
زیبنده تر بقامت سوزون عصر ما
صنع قمر چه سود برای بشر اگر
تسخیر ماه نیز طریق رفاه نیست
روزی ز علم ریشه دواند درخت عدل
در طی قرن بیست جز این افتخار نیست
ما حفظ صلح را بحقیقت سپرده ایم